

بهره‌برداری از هفت مگاوات نیروگاه خورشیدی

۶



چهارشنبه
۱۴
۸
۱۴۰۳

صبح امروز

محمد هاشمی رفسنجانی:

وظیفه فعالان سیاسی با مردم بودن است نه «بر مردم» بودن

۲

یادداشت

ایران بازیگر اصلی گذار نظم بین‌المللی



تا قبل از جنگ ۱۲ روزه، نظریه‌پردازان بر این باور بودند که مشخص نیست گذار بین‌الملل رخ داده یا در حال وقوع است اما امروز به قطع می‌توان گفت گذار شروع شده و به سرعت در حال شکل گرفتن است. اقدام تجاوزگرانه اسرائیل علیه ایران، علاوه بر این که ترور دولتی محسوب می‌شود، بر اساس حقوق بین‌الملل در زمره دخالت در امور داخلی دولت‌ها قرار می‌گیرد، ضمن این که شمار بسیاری از غیرنظامیان بی‌گناه نیز مورد هدف قرار گرفتند. این اقدام جنایتکارانه گرچه به ظاهر برای بازداشتن ایران از دسترسی به توانمندی هسته‌ای انجام شد، ولی نیتی راهبردی و سیستمیک را در پشت آن می‌توان شاهد بود.

گزارش

واقعیت پشت ویدئوی جنجالی چمستان:
قطع عام درختان؟

مدیرکل منابع طبیعی مازندران به خبرنگاران می‌گوید: «عملیات قطع درختان صنوبر در محدوده چمستان، در قالب طرح‌های مصوب و با هدف جایگزینی گونه‌های بومی و جنگلی، تحت نظارت کارشناسان منابع طبیعی انجام شده و هیچ‌گونه تخلفی در این زمینه صورت نگرفته است. برداشت درختان صنوبر و غیرجنگلی، بر اساس طرح‌های مصوب، مجوزدار و دارای بیان پنج‌ساله انجام می‌شود.»
به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از خبرنگاران این انتشار ویدئویی در شبکه‌های اجتماعی ...



موج جدید فشار بر معیشت باگرانی غیر مصوب نان!

نان به نرخ روز!

سرور ارجمند جناب آقای سعید محمودی

مدیرکل محترم حفاظت محیط زیست خراسان رضوی

انتخاب شایسته شما را به عنوان مدیر کل نمونه کشوری در سال ۱۴۰۴ تبریک عرض می‌کنیم و تلاش‌های شما و همه همکاران تان را در عرصه محیط‌زیست استان ارج می‌نهیم. امید است زحمات شما در بهبود و پویایی یگان حفاظت و اقدامات شایسته در عرصه محیط زیست الگوی کشوری شود تا کمتر شاهد آسیب و از دست دادن تلاشگران این عرصه باشیم. قطعاً حضور مدیرانی چون شما در دولت وفاق ملی موجب اعتماد و اطمینان بیشتر مردم و دولتمردان می‌شود.



با آرزوی موفقیت - روزنامه صبح امروز

یادداشت

ایران بازیگر اصلی گذار نظم بین‌المللی

صادق نیک‌آذر

پرسش اصلی این است که چرا و برای کدام اهداف راهبردی ایران مورد حمله قرار گرفت؟ همچنین ایران چه نقش و جایگاهی در نظام بین‌المللی دارد که در ازای جایگاهش مورد حمله قرار می‌گیرد؟ پاسخ به این پرسش‌ها، نیازمند یک فرضیه ترکیبی از چند مفهوم نظم بین‌المللی پس‌آمریکایی، موقعیت ژئوپلیتیکی ایران و همگرایی اقتصادی منطقه‌ای است. این سه مفهوم در کنار هم امکان فهم علت اصلی جنگ و اقدامات آتی را مهیا می‌کند.

تا قبل از جنگ ۱۲ روزه نظریه‌پردازان بر این باور بودند که مشخص نیست گذار بین‌الملل رخ داده است یا در حال وقوع می‌باشد، ولی امروز به قطع می‌توان گفت گذار شروع و به سرعت در حال شکل گرفتن است. چرا؟ چون با این جنگ تحمیلی به ایران و تجاوزگری اسرائیل، شکل و منطق خاورمیانه در حال تغییر است.

تغییرات در خاورمیانه، حداقل از قرن ۲۰ به بعد همیشه در شکل‌گیری نظم بین‌المللی تاثیرگذار بوده است. به صورت متوسط ۴۲ درصد از منابع اولیه و انرژی جهان از خاورمیانه تامین می‌شود. سرمایه‌پذیری چشم‌گیر و در نهایت بازار مصرفی بزرگ و اشباع نشده، هر نظم بین‌المللی خاورمیانه را در راس توجهات خود قرار می‌دهد. اما انتقال هسته قدرت از غرب به شرق با حضور آمریکا در خاورمیانه با کندی حداکثری مواجه می‌شود؛ یکی از علل حمله اسرائیل با پشتیبانی آمریکا برای انسداد حداکثری جهت ممانعت از انتقال قدرت می‌باشد. در نتیجه ایران به عنوان اصلی‌ترین بازیگر این عرصه در کنار سایر حامیان گذار نظم بین‌المللی، باید با حداقل امکان کنش گری مواجه شود. مولفه دومی که اهمیت ایران برای خاورمیانه و جهان را دو چندان می‌کند موقعیت ژئوپلیتیکی است. اهمیت موقعیت ژئوپلیتیکی ایران براساس خوانش سنتی از مفهوم ژئوپلیتیک شامل وسعت و دسترسی‌های دریایی و منابع نیست، بلکه حضور فعال و بازیگری ایران در میان متحدین غرب و آمریکا است. ایران که حداقل از سه جهت جغرافیایی در میان متحدین مهم آمریکا حضور دارد، قدرت بازیگری را از آمریکا برده و در عوض قدرت‌های شرقی، با اتکا به این بازیگری در خاورمیانه اقدامات راهبردی مهمی را پیش می‌برد؛ به گونه‌ای که با مقاومت ایران در خاورمیانه، اولاً کشورهای عربی در سیاست خارجی خود یک توازی از غرب و شرق را ایجاد کرده‌اند که در ازای حضور چین و روسیه در حوزه اقتصاد و سیاست خارجی و مسائل امنیتی‌شان آسیب و تهدیدی از طرف ایران متوجه‌شان نشود. ثانیاً ایران در کنار سایر حامیان نظم بین‌المللی جدید، با توان دفاعی و نظامی که دارد انسدادی مهم برای پیش‌روی غرب و آمریکا به سمت شرق را ایجاد کرده است.

ایران که به عنوان یک بازیگر نظم بین‌المللی پس‌آمریکایی به کنشگری مبادرت می‌ورزد، با حداکثرترین تعداد پایگاه‌های نظامی آمریکا و ناتو احاطه شده است و حکم خط مقدم امنیتی-سرمزینی گذار نظم بین‌المللی را دارد. در این شرایط حساس و مهم که نظم جدیدی در جهان در حال شکل‌گیری است و بایستی حداکثرترین میزان حمایت فنی و تسلیحاتی از ایران شکل بگیرد، متأسفانه قدرت‌های شرقی به خاطر حضور اقتصادی در منطقه و عدم احساس خطر جدی از این جنگ، به موضع‌گیری‌های دیپلماتیک در مجامع بین‌المللی بسنده کرده‌اند. در حالی که پیروز این جنگ سرنوشت قانون‌گذاری و رژیم‌سازی اصلی نظم بین‌المللی جدید را رقم خواهد زد. از همین رو نتیجه جنگ برای شرق و غرب سرنوشت‌ساز است.

مولفه سوم و نهایی که آتش این جنگ را برافروخت، نقش ایران در اقتصاد خاورمیانه است. البته منظور از همگرایی اقتصادی منطقه‌ای، تراز تجاری دولت‌های منطقه به همدیگر و میزان مبادله تجاری و اقتصادی‌شان با شرق و غرب نیست که مقصود ابعاد امنیتی اقتصاد می‌باشد. در دوره گذار نظم بین‌المللی و وضعیت ژئوپلیتیکی ایران که در بالا به آن اشاره شد، ایران دارای ظرفیت بازیگری خوبی در حوزه اقتصاد بین‌قاره‌ای است. بدین صورت که روابط اقتصادی ایران و چین را نه با تراز تجاری، که اتصال چین به اروپا و آفریقا با منطق کریدوری باید تحلیل شود. اگر حتی ایران بازار مصرفی مناسبی با حجم تولید بالای چین در منسوجات و صنایع مختلف نباشد، بیشترین مزیت ایران برای چین و آسیا مسیرهای کریدوری می‌باشد.

راه به عنوان خطوط مواصلاتی شرق به غرب برای دولت‌های تجاری مثل چین از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است که با طی کردن آسیای مرکزی و ایران از طریق ترکیه یا عراق بتواند به بازارهای جهانی دست پیدا کند. همچنین بندر چابهار و سواحل مکران بعنوان یکی از راهبردی‌ترین مناطق ساحلی در جهان، این پتانسیل را دارد که از طریق حمل و نقل دریایی بتواند نقش مهمی را در تجارت بین‌المللی بازی کند. ناگفته نماند که اسرائیل نیز از طریق کریدور عرب-مد و IMEC به دنبال ایفای همین نقش بود که با حمله ۷ اکتبر عملاً نافرجام ماند. اما حضور چین و هند در چابهار این مسئله را بیش از پیش پراهمیت کرد که ایران در تلاش برای جای‌یابی در زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای و جهانی از طریق کریدورها می‌باشد تا از دانش و تکنولوژی جهانی برای بالابردن جایگاه خود اقتصاد و تجارت بین‌المللی استفاده کند. اسرائیل نیز برای حضور این چنینی در تلاش بود که درصد حداقل‌سازی تعارضات خود با جهان عرب بود، ولی موفقیتی حاصل نشد.

وظیفه فعالان سیاسی با مردم بودن است نه «بر مردم» بودن

درصد هم طرفدار ۲ آتش نظام داریم که گاهی حتی با مخالفان درگیر می‌شوند. اما همانطور که گفتم حدود ۸۰ درصد جامعه اصلاً اهمیتی به درگیری‌های سیاسی نمی‌دهند و توجه نمی‌کنند.»

در شرایط فعلی کشور تحمیلی برای حتی ۱ درصد اختلاف سیاسی وجود ندارد

این فعال سیاسی در ادامه گفت: «در طول تاریخ همیشه عده‌ای از افراد بوده‌اند که به دلایل مختلف مورد تخریب و انتقاد قرار می‌گرفتند یا حتی از کار برکنار می‌شده‌اند. اما نکته اساسی این است که شرایط فعلی کشور اصلاً شرایطی نیست که حتی یک درصد اختلاف سیاسی را تحمل کند. مسئله معیشت مردم و اقتصاد بسیار مهم تر است. بحث سیاسی کشور و انسجام سیاسی نیز بسیار مهم است. این‌ها مسائلی است که در پیشبرد شرایط مردم یا وخیم تر شدن شرایط آنان موثر است. در واقع اولین وظیفه گروه‌های سیاسی، با مردم بودن و همراهی کردن با مردم است، نه «بر مردم» بودن. متأسفانه اکنون برخی از اظهارات علیه مردم مورد استفاده قرار می‌گیرد و به جای تاثیرگذاری مثبت بر زندگی و معیشت مردم تاثیر منفی می‌گذارد. گرچه درصد این رفتارها کم است اما نباید همین درصد کم هم باشد.»

وی افزود: «شاید بتوان این انتظار را از رسانه‌ها داشت که با استفاده از مناظره‌ها و نشست‌ها و گفتگوها، این جو منفی را تا حدی تعدیل کرد. من نمی‌گویم این رفتارها به شکل ناگهانی اصلاح می‌شود، اما معتقدم این رفتارها چندان تاثیری در شرایط کشور ندارد. مردم هم اصلاً توجهی به این اختلاف سلیقه‌ها و تنش‌ها ندارند. در واقع این رفتارها تاثیر چندانی در روند کلی کشور ندارد. برای مردم هم مهم نیست کدام گروه‌ها به چه دلیلی با یکدیگر درگیر می‌شوند.»



روندی است که از ماه‌های پیش از جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل آغاز شده بود و همچنان ادامه دارد، اما برخی از تحلیلگران ارشد سیاست خارجی معتقدند ادامه این روند به صلاح کشور نیست. به گزارش فرارو، «محمد هاشمی رفسنجانی»، عضو هیات مؤسس حزب کارگزاران سازندگی، رئیس پیشین صدا و سیما و فعال سیاسی در گفت‌وگو با فرارو به تحلیل وضعیت موجود پرداخته است:

۸۰ درصد مردم توجهی به اختلافات گروه‌های سیاسی ندارند

محمد هاشمی رفسنجانی به فرارو گفت: «اختلاف نظر سیاسی یا اختلاف نظرهای سیاسی یا اقتصادی همیشه در کشور بوده و همچنان هم هست. نه تنها در کشور ما، بلکه در کشورهای دیگر نیز کمابیش همین وضعیت اختلافات وجود دارد. یک مسئله که به آن استناد می‌شود، بحث دموکراسی آن چه این روزها در کشور آزاردهنده شده، تخریب‌هایی است که علیه یکدیگر انجام می‌شود.

در کشور ما نظرات متکثر است و گروه‌های مختلفی وجود دارند. نکته ای که باید مورد توجه رسانه‌ها باشد این است که در آمارها مبینیم بین ۷۵ تا ۸۰ درصد مردم اصلاً به این روند به حرفهایشان نه اعتقاد دارند و نه می‌پسندند. مردم طرفدار نظام هستند و در شرایط مختلف، کمابیش در صحنه حضور دارند و از راهپیمایی‌ها تا شرایط خاص اعتقادات خود را نشان می‌دهند. ۱۰ درصد از مردم هم جزو مخالفان هستند که ممکن است حتی مخالفان نظام باشند. ۱۰

فرارو نوشت: تنش‌های سیاسی این روزهای کشور در بخش داخلی عمدتاً بر تسویه حساب گروه‌هایی متمرکز شده که ریشه‌های اختلافشان را از دوران ریاست جمهوری حسن روحانی تا کنون حفظ کرده‌اند. از درگیری‌ها در مجلس شورای اسلامی تا پیامهایی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود، همگی گواهی بر ادامه

من شو نسرّاً آرزو دارم

من می‌خام

برم خونۀ

محک

مؤسسه خیر به حمایت از کودکان مبتلا به سرطان

mahak-charity.org

شماره کارت بانک دی
۵۰۲۹-۳۸۷۰-۲۰۰۰-۰۶۵۶

یک اسکن تا سلامتی

با ما تماس بگیرید:

۰۹۳۶۰۵۶۶۶۳۶

۰۹۱۵۲۵۶۰۰۹۱

روزنامه

صبح

امروز

شرایط ویژه اشتراک انبوه

برای پیک موتوری‌ها، باربری‌ها و شرکت‌های خدماتی

چرایی تداوم خصومت میان ایران و آمریکا

محمد محمودی کیا



مسئله تعارض ایران و آمریکا موضوعی ریشه‌ای که بیش از آنکه صرفاً آن را سیاسی بدانیم، در ساحت گفتمانی و سطح نظام اسطوری قابل تحلیل است؛ چراکه سطح این چالش بسیار عمیق‌تر از نمودهای ظاهری و مشاهده پذیر در ساحت سیاست روزمره است؛ آنطور که اگر به تاریخ سیاست خارجی آمریکا پس از جنگ جهانی دوم نگاه کنیم، خواهیم دید، یک‌جانبه‌گرایی همواره اصلی ثابت در رفتار سیاست خارجی ایالات متحده بوده است. این کشور با هر ملتی که در برابر منویبات او مقاومت کرده، به‌سمت الگوی عملی از «تنبیه جمعی» آن ملت سوق پیدا کرده است. نمونه روشن آن، آلمان و ژاپن پس از جنگ جهانی دوم است. آمریکایی‌ها به مجازات رفتار و نقش این ملت‌ها در دوره جنگ، نوعی تنبیه و تحقیر جمعی را بر این ملت‌ها تحمیل کردند؛ از تدوین قانون اساسی ژاپن گرفته تا اجرای سیاست صنعتی‌زدایی در آلمان. البته این سیاست به‌دلیل تغییر در مختصات نظم در عرصه بین‌المللی همچون وقوع جنگ سرد و نیز تحولات سیاسی و نظامی در شرق آسیا، از جمله پیروزی کمونیست‌ها در چین یا بروز جنگ کره، دیری نپایید و شاهد آن هستیم که این سیاست‌ها به سرعت تعدیل شدند و آمریکا با اجرای طرح مارشال و سرمایه‌گذاری ده‌ها میلیارد دلاری در اروپا، به‌سمت ادغام این کشورها در نظم لیبرالی سرمایه‌داری آمریکایی حرکت کرد. در واقع، کشورهای دیگری که با منطق هژمونیک نظم لیبرالی همراه نمی‌شوند، دچار سرنوشت سختی می‌شوند که تنها راه پذیرفته‌شدن در این نظم، سرسپردگی کامل به قواعد و هنجارهای نظم آمریکایی است. البته این به معنای القای نوع سیاست غیرقابل انعطاف و متصلب نیست بلکه نوعی درجه آزادی برای ملت‌ها نسبت به پذیرش هنجارهای نظم آمریکایی وجود دارد، اما امتناع از اصول اساسی سیاست خارجی آمریکا برای همین ملت‌ها هزینه‌بر بوده، کما اینکه طی ماه‌های اخیر شاهد وضع سیاست‌های مالیاتی سنگین از سوی دولت ترامپ نسبت به طیف قابل توجهی از کشورها هستیم.

تفاوت ملت ایران با دیگر ملت‌ها در مقابله با آمریکا

اما تفاوت ملت ایران با دیگر ملت‌ها در مواجهه با آمریکا در این است که ملت ایران نسبت به ادغام در نظم آمریکایی مقاومت کرده و از آرمان خود عمیقاً سینه‌استه است کما اینکه جنگ تحمیلی ۸ ساله توسط دولت بعثی عراق، با تمام هزینه‌های انسانی و مادی آن برای ایرانیان دفاعی مقدس نامیده می‌شود. از منظر فلسفه سیاسی نیز همان‌طور که هانا آرنت در کتاب «آیشمن در اورشلیم» از مفهومی با عنوان «بتذال شر» سخن می‌گوید، در رفتار امپریالیسم نیز همین اصل و منطق نیز دیده می‌شود؛ قدرت‌های هژمون ملت‌ها را به عنوان اصلی‌ترین پشتوانه نظم موجود، هدف سیاست‌های تنبیهی خود قرار می‌دهد تا آن زمان که روح مقاومت در آن‌ها رخت از میان بر بندد. به بیان دیگر، قدرت‌های مسلط، ملت‌ها را تا آن جایی تحت فشار قرار می‌دهند که در مقابل آن تسلیم شوند. تنها در این صورت است که مسیر توسعه و رشد اقتصادی در برابرشان گشوده می‌شود. اما در مورد ایران اسلامی این موضوع تفاوت بسیار دارد؛ جامعه‌ای که بر حفظ عزت و استقلال خود پافشاری کرد و در مقابل، با شدیدترین نظم تحریم‌ها مواجه شده است. در حوادث پس از جنگ ۱۲ روزه نیز مشاهده کردیم که عامل اصلی ناکامی

و مقاومت در برابر زیاده‌خواهی نظام سلطه شکل گرفت. با وجود ثبات در مبانی، در عرصه عملی و کنش سیاست خارجی، نحوه مواجهه با غرب در مقاطع مختلف از عمر جمهوری اسلامی با نوسان‌هایی همراه بوده است. برای نمونه، در دهه ۷۰، دولت سازندگی با محوریت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، با هدف سیاست بازسازی کشور پس از جنگ، به دنبال سیاست تنش‌زدایی در روابط خارجی و عادی‌سازی حوزه کنش ایران در سطح نظام بین‌المللی بود. در همین دوران، گفت‌وگوهای انتقادی با اروپا آغاز شد که بیشتر با هدف تعدیل فضا و شکستن محاصره سیاسی انجام می‌گرفت. در دوره بعد، هم‌زمانی روی کار آمدن دولت دموکرات در آمریکا (بیل کلینتون) و دولت اصلاحات در ایران (سید محمد خاتمی) موجب شد تا در ظاهر، فضایی برای «گفت‌وگو و تعامل» شکل گیرد؛ اما سیاست‌های خصمانه آمریکا در عمل هیچ‌گاه تغییر نکرد. در دولت‌های بعدی، این نوسان‌ها در قالب دوره‌های مختلف تشدید یا تطیف شده‌اند.

در دوره آقای احمدی‌نژاد نیز به دلیل مواضع صریح و گاه رادیکال در برابر آمریکا و نظام سلطه، تقابل با غرب به اوج خود رسید. در دوره آقای روحانی با مذاکرات برجامی، فضای تنش تا حدودی کاهش یافت، اما با خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام توسط دولت ترامپ در سال ۲۰۱۵، بار دیگر چهره واقعی و غیرقابل اعتماد آمریکا آشکار شد. در دولت آقای رئیسی، سیاست اصل‌گرایانه دولت در چارچوب «دیپلماسی متوازن» و تأکید بر خنثی‌سازی تحریم‌ها دنبال شد هر چند تفاوتی جدی در رویکرد مواجهه‌جویانه با آمریکا صورت نگرفت.

در دولت کنونی نیز، با وجود برخی تلاش‌ها برای گفت‌وگو و کاهش سطح تنش، اقدامات خصمانه آمریکا، از جمله حملات اخیر به مراکز هسته‌ای و ترور فرماندهان ارشد نظامی و دانشمندان ایرانی و نیز همراهی با رژیم صهیونیستی در مواجهه خونی با مقاومت اسلامی لبنانی، فلسطینی و یمنی، نشان داد ماهیت دشمنی آمریکا با ملت ایران و منطق مقاومت تغییر نکرده است.

در مجموع، رفتار جمهوری اسلامی ایران در دوره پس از جنگ تحمیلی را می‌توان الگویی سینوسی اما اصول‌محور دانست در صورتی که منطق و ماهیت سیاست خارجی آمریکا علیه ایران همواره بر اساس نوعی هراسی و یاست‌های توطئه همراه بوده است؛ با این‌همه، در مورد منطق کنش ایران شاهد نوعی ثبات مبنایی هستیم؛ به این معنا که هر چند در تاکتیک‌ها و روش‌ها نوسان‌هایی دیده می‌شود، اما در مبانی و اصول، هیچ‌گونه عدول از آرمان‌های انقلاب اسلامی صورت نگرفته است. سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر اساس سه اصل عزت، حکمت و مصلحت بنا یافته است.

تحولات تاریخی همچون ترور ناجوانمردانه شهید قاسم سلیمانی، خروج آمریکا از توافق هسته‌ای، و اقدامات تجاوزکارانه واشنگتن در جنگ ۱۲ روزه و خیانت آشکار به میز دیپلماسی، همگی مصداق‌هایی از استمرار سیاست‌های خصمانه آمریکا علیه ملت ایران به شمار می‌رود. این وقایع موجب شد تصویر واقعی آمریکا به‌عنوان مصداق «استکبار جهانی» و دولتی غیرقابل اعتماد، بیش از پیش برای افکار عمومی آشکار و تثبیت شود.

نگاه جمهوری اسلامی ایران به حوزه نظام بین‌المللی معاصر، با وجود همه فشارها و دشمنی‌ها، همواره بر پایه منطق عقلانی استوار بوده است. بر همین اساس، جمهوری اسلامی همواره بر گفت‌وگو با ملت‌ها، چندجانبه‌گرایی، همکاری‌های

دشمنان، همین ایستادگی و مقاومت جانانه مردم بوده است؛ دفاع ایرانیان از ملت، ملیت، نظام و از هویت خودشان. این همان عاملی بود که تمام نقشه‌های دشمن را بر هم زد. تحریم‌ها نیز روی دیگر سکه دشمنی و ادامه همان سیاست تاریخی «تنبیه جمعی ملت‌ها» است؛ ملتی که خواستار استقلال خویش در مقابل منطق زور و سلطه است. به عبارتی هر چند در ظاهر الفاظ و سیاست‌های اعلانی ممکن است آمریکا مدعی شود جامعه ایرانی را هدف تحریم‌های خود قرار نداده و صرفاً به دنبال تنبیه نظام سیاسی حاکم بر آن است و بر اساس همین سیاست بارها اعلام کرده‌اند، حوزه‌های بشردوستانه همچون دارو و تجهیزات پزشکی از تحریم‌ها مستثنا هستند، اما آمریکا در عمل ساختار پیچیده‌ای از تحریم‌ها را ایجاد کرده که به‌صورت غیرمستقیم سلامت جامعه را هدف قرار می‌دهد. آن‌طور که تحریم‌های مالی و بانکی، قطع ارتباط با شبکه سوئیفت و بالا رفتن ریسک همکاری بانک‌ها و شرکت‌های خارجی با ایران همگی موجب می‌شود دسترسی به دارو و تجهیزات پزشکی دشوار شود. همچنین تحریم بخش انرژی و یا محدودیت‌های کشتیرانی ایران، طبق قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت در سال ۲۰۱۰، کاهش درآمدهای دولت و به تبع آن، کمبود بودجه در حوزه بهداشت و درمان را به دنبال داشت. از طرفی تحریم نهادهایی مانند بنیاد علوی که در زمینه تأمین دارو و تجهیزات پزشکی فعال بودند، عملاً بر بیماران خاص از جمله مبتلایان به تالاسمی، ام‌اس، هموفیلی و سرطان تأثیر مستقیم گذاشت. در عین حال تحریم کشتیرانی و بیمه نیز مانع واردات دارو و تجهیزات می‌شود.

حتی اگر ایران بتواند دارو را از مسیرهای غیرمستقیم و با هزینه‌های چندبرابری تهیه کند، باز هم انتقال آن‌ها با مشکل روبه‌روست. در دوران کرونا نیز شاهد بودیم که برای تهیه واکسن، دستگاه ونتیلاتور، تجهیزات حفاظتی و اقلام ضروری از طریق سازوکار بین‌المللی «کواکس» با موانع فراوانی روبه‌رو شدیم. بنابراین هدف اصلی آمریکا از این نظام سنگین تحریم‌ها، وادار کردن ملت ایران به عقب‌نشینی از آرمان، هویت و استقلال خود است و تا زمانی که این ملت تسلیم نشود، سیاست‌های خصمانه آمریکا ادامه خواهد داشت.

تشخیص است؛ جریان نخست، نیروهای ملی - مذهبی و نهضت آزادی بودند که به نمایندگی دولت موقت، موضعی صریحاً ضدآمریکایی نداشتند و سیاستی موسوم به عدم‌تعهدگرایی فعال مصدقی را دنبال می‌کردند. دولت موقت مهندس بازرگان، بر پایه راهبرد «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی»، تلاش داشت از وابستگی به هر یک از دو بلوک قدرت شرق و غرب پرهیز کند. در این چارچوب، اقداماتی نظیر لغو برخی مفاد پیمان مودت با شوروی، لغو برخی از قراردادهای خرید تسلیحاتی با آمریکا، برچیده شدن پایگاه‌های اطلاعاتی و شنود کبکان وابسته به ایالات متحده به قطع همکاری‌های امنیتی و نظامی با غرب و شرق منجر شد. این سیاست، نوعی تلاش برای حفظ استقلال سیاسی در فضای بین‌المللی دوقطبی وقت بود.

جریان دوم، گروه‌های چپ مارکسیستی و سوسیالیستی بودند که با رویکردی ایدئولوژیک - سیاسی، به‌طور مطلق آمریکاسیتیز محسوب می‌شدند. جریان‌هایی چون حزب توده و احزاب چپ از این طیف به‌شمار می‌رفتند که در چارچوب اندیشه مادی‌گرا و غیرالهیاتی خود، تقابل با آمریکا را در قالب مبارزه طبقاتی و ضدسرمایه‌داری تفسیر و دنبال می‌کردند.

جریان سوم هم اسلام‌گرایان و نیروهای پیرو خط امام (ره) بودند که نگاهشان به آمریکا نه بر اساس ایدئولوژی سیاسی صرف، بلکه از مبانی دینی و الهی برخاسته بود. در این دیدگاه، آمریکا نماد استکبار جهانی و مصداق بارز ظلم و سلطه بود. این جریان، برخورد با آمریکا را نه از موضع نفرت سیاسی، بلکه در چارچوب مبارزه با استکبار و دفاع از استقلال ملی و کرامت امت اسلامی تعریف می‌کردند.

در واقع، همان‌طور که در نظریه میدان‌های گفتمانی «پیر بور دیو» مطرح می‌شود، میان میدان گفتمان‌های مذکور در آن سال‌ها، در نوعی وضعیت رقابت و دادوستد دائمی قرار داشتند. این رقابت گفتمانی تحت تأثیر رخدادهای سیاسی و اجتماعی - از جمله حوادث سال‌های ۵۸ تا ۶۰، همچون تسخیر سفارت آمریکا، توطئه‌های تجزیه‌طلبانه و آشوب‌های داخلی، به حاشیه رفتن برخی از این گفتمان‌ها و هژمون شدن گفتمان اصل‌گرای انقلاب اسلامی، یعنی گفتمان «استکبارستیزی و استقلال‌طلبی دینی» را موجب شد. از این رو، استعفای دولت موقت، انحلال جریان‌های چپ، و آغاز جنگ تحمیلی، زمینه‌ساز غلبه هر چه بیشتر این گفتمان اصل‌گرا و مبنایی را در فضای سیاسی ایران فراهم ساخت. از آن پس، سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال آمریکا بر اساس اصول ثابت انقلاب، یعنی نفی سلطه‌پذیری، استقلال، حفظ عزت ملی

منطقه‌ای، و تعامل سازنده با کشورها و روابط مبتنی بر اصل احترام متقابل تأکید داشته است. اما آنچه در چهار دهه گذشته تجربه شده، نشان می‌دهد که سیاست ایالات متحده در قبال ایران از ابتدا بر پایه دشمنی و مداخله‌جویی بوده است. حتی در ماه‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، علی‌رغم برخی صداهای ضعیف همچون برخی چهره‌های واقع‌بین آمریکایی مانند «ویلیام سالیوان»، آخرین سفیر آمریکا در تهران، که انقلاب را پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر می‌دانست و تلاش داشت با نیروهای مؤثر در نظام جدید ارتباط برقرار کند، اما در عمل، جریان غالب در منطق آمریکایی و نظام سیاسی آمریکا مسیر خصومت، تحریم و فشار را انتخاب کرد. مسیری که بررسی تاریخی آن نشان می‌دهد آمریکا با وجود شناخت واقع‌بینانه از ایران، همچنان سیاست خصمانه را با نوعی دوگانگی در رفتار خود نشان داده است.

دوگانگی سیاست آمریکا و تثبیت ایران‌ستیزی

دوگانگی در سیاست آمریکا، چه پیش از انقلاب و چه پس از آن، مشهود است. به عنوان نمونه، تسخیر سفارت آمریکا به تشدید نگرش خصمانه علیه ایران در میان سیاستمداران آمریکایی کمک کرد. همچنین اقداماتی مانند برچیدن پایگاه شنود کبکان توسط دولت بازرگان نیز به تقویت نگرش ایران‌ستیزانه در ذهن آمریکایی‌ها دامن زد. با این حال، در تحلیل علل آمریکاسیتیزی در سیاست واشنگتن، یک عامل کلیدی وجود دارد که آن را می‌توان این‌گونه توضیح داد و آن عدم درافتادن ایران انقلابی در جبهه و قطب شرق است چنانچه در جریان کنفرانس گوادلوپ، که چندی پیش از انقلاب برگزار شد، ناپایداری حکومت شاه و قطعی بودن انقلاب ایران مورد بررسی قرار گرفت و تصمیم‌گیری شد که محمدرضا پهلوی از ایران خارج شود. در این کنفرانس، آمریکا اهمیت حفظ ایران خارج از قطب شرق را اصلی ضروری می‌دانست. لذا شاهد هستیم هر چند تلاش‌های مداخله‌جویانه آمریکا در تحولات ماه‌های پیش و نیز پس از انقلاب اسلامی به ناکامی انجامید، اقدامات دولت موقت بازرگان با سیاست‌های عدم تعهد فعال خود، تضمینی ایجاد کرد که ایران به بلوک شرق نخواهد پیوست و این امر در ابتدا تا حدودی از نگرش خصمانه انقلاب ایران نسبت به آمریکا در نگاه تدبیرپردازان آمریکایی کاست.

با این حال، تسخیر سفارت آمریکا، موجب فعال شدن نگاه آنتاگونیستی تشدیدیابنده نسبت به تهران شد؛ یعنی از مرحله بدبینی و رقابت، روابط وارد مرحله‌ای از تخاصم و نزاع شد. در نتیجه، تحولات در هر دو طرف ایرانی و آمریکایی موجب شد که از وضعیت سرگردانی و تنوع گفتمانی، به یک نوع وحدت گفتمانی برسیم که هم در ایران، آمریکاسیتیزی به قرائت حاکم تبدیل شد و هم در آمریکا نیز ایران‌ستیزی به سیاست رسمی و گفتمان غالب مبدل شد؛ امری که بر اساس مطالعات تاریخی، این طرف آمریکا است که بیشترین نقش را در شکل‌گیری و تثبیت آن داشته است.

لذا این ادراک و برساخت از دشمن، تصویری را در ذهن طرفین بوجود آورد که در ابتدا به شکل فعلی، وجود نداشت و این عامل تحولات در بستر زمان است که منجر به تثبیت یک واقعیت و تصویر گفتمانی غالب در هر دو طرف شد که حل این چالش هم به این سادگی ممکن نیست، زیرا امروز سطح تنش از چارچوب گفتمانی عبور کرده و وارد لایه‌های عمیق نظام تصویری جوامع شده که عبور و مدیریت آن را به امری بسیار پیچیده تبدیل می‌کند.

نان به نرخ روز!

که مصرف روزانه کمتری دارند و خانوارها می‌توانند مصرف آنها را به صورت مقطعی قطع یا کاهش دهند، نان یک کالای ضروری است که حذف آن تقریباً غیرممکن است. این اجبار در خرید، نان را به یک اهرم فشار دائمی بر معیشت تبدیل می‌کند.

به گفته هاشمی، موضوع گرانی نان در تهران بدون مصوبه، فراتر از یک مسئله صنفی ساده است؛ این یک بحران معیشتی کوچک، اما پرتکرار است که مستقیماً با ثبات اقتصادی خانوارها در ارتباط است. نان، نماد امنیت غذایی در فرهنگ ایرانی است و تزلزل در قیمت و دسترسی به آن، به معنای تزلزل در آرامش عمومی تلقی می‌شود.

این کارشناس تأکید کرد: انتظار می‌رود که مسئولین امر هر چه سریع‌تر با شفاف‌سازی نرخ‌های رسمی و ابلاغ فوری آن به تمامی واحدهای صنفی، از ورود به این دور جدید از افزایش قیمت‌های پنهان جلوگیری کنند. اعمال نظارت سختگیرانه بر اجرای دقیق

قیمت‌ها و همچنین ارائه راهکارهای عملی برای جبران هزینه‌های واقعی نانویان از طریق یارانه‌های هدفمند یا تسهیلات، اطمینان حاصل کند که نان همچنان به‌عنوان یک کالای اساسی، در دسترس همه شهروندان با قیمت عادلانه باقی بماند.

وی با اشاره به ضرورت تثبیت قیمت‌ها به ویژه اقدام ضروری سفره‌های مردم گفت: فقدان یک چارچوب قیمتی شفاف و قاطع، در بلندمدت، نه تنها اقتصاد خانوارها را تضعیف می‌کند، بلکه باعث شکاف بیشتر بین سیاست‌های اعلامی دولت و واقعیت‌های بازار خواهد شد. حل این معضل کوچک، نیازمند اقدام سریع، قاطع و شفاف است تا سایه سنگین این نان گران بر سر سفره مردم تهران برداشته شود.



سفره‌ای که کوچک می‌شود

سهراب هاشمی کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با اقتصاد ۲۴ گفت: اقتصاد کشور با کالاهای اساسی و قیمت کالاهای ضروری معیشت مردم در ارتباط است. نان یکی از کالاهایی است که مستقیم با سفره مردم در ارتباط است و اقتصاد خانوارها را تحت شعاع قرار می‌دهد. بحران نان در تهران، نمودی از فرسایش تدریجی قدرت خرید در کلان‌شهر است. در این شهر، هزینه‌های مسکن و حمل و نقل بخش عمده‌ای از درآمد را مصرف می‌کند، بنابراین هرگونه افزایش قیمت در اقلام خوراکی اساسی، به سرعت تبدیل به وی گفت: در مقایسه با گوشت یا برنج

نان، صرفاً یک چالش فنی نیست، بلکه یک شکست در مدیریت ارتباطات و سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی محسوب می‌شود.

تضاد در سیاست‌گذاری اقتصادی

عدم ابلاغ یا تأخیر در اجرای قیمت‌های مصوب، نشانه‌ای از تضاد در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی است. در یک سو، تولیدکنندگان و نانویان به دلیل افزایش هزینه‌های سربار که واقعی هستند، متقاعد به افزایش قیمت هستند. در سوی دیگر، دولت مسئول حفظ امنیت غذایی و ثبات قیمت‌ها است، به ویژه برای کالایی مانند نان که مستقیماً با امنیت غذایی مردم در ارتباط است.

تأثیر مضاعف بر شاخص‌های تورمی

در اقتصاد خانوار، وزن نسبی نان در سبد غذایی دهک‌های کم‌درآمد بسیار بالاتر از دهک‌های پردرآمد است. اگر میانگین سهم نان از کل هزینه‌های خوراکی یک خانوار شهری را حدود ۵ تا ۱۰ درصد در نظر بگیریم، برای خانوارهایی که درآمدشان به سختی کفاف هزینه‌های اولیه را می‌دهد، این سهم می‌تواند به ۱۵ درصد یا بیشتر نیز برسد.

ریشه‌های افزایش هزینه‌های سربار

تولید

افزایش حداقل دستمزد سالانه، که همواره با تأخیر و نوسان در بخش غیررسمی بازار اعمال می‌شود، بخش مهمی از هزینه‌های ثابت نانویان را تشکیل می‌دهد. همچنین افزایش قیمت سوخت و استهلاک وسایل نقلیه توزیع، هزینه رساندن نان از نانویی به مصرف‌کننده نهایی را بالا می‌برد. از سوی دیگر اگرچه آرد یارانه‌ای تخصیص داده می‌شود، اما هزینه‌های مربوط به مخمر، نمک و دیگر مواد افزودنی با نرخ‌های آزاد محاسبه شده و به قیمت نهایی اضافه می‌شوند.

کاهش کیفیت مصرف نان

در مواجهه با قیمت‌های بالاتر، خانوارها به سمت نان‌هایی سوق پیدا می‌کنند که گران‌تر تمام شده‌اند یا در صورت عدم توانایی مالی، مصرف نان‌های با کیفیت بهتر مانند نان‌های حمیم یا سنگک را کاهش داده و به نان‌های ارزان‌تر مانند لواش یا تافتون‌های نان‌کتر روی می‌آورند. این تغییر، اغلب منجر به دریافت کالری کمتر یا کیفیت پایین‌تر تغذیه می‌شود. حال مسئله عدم شفافیت در نرخ‌گذاری

افزایش قیمت نان، در پی افزایش هزینه‌های سربار تولید شکل گرفته است. نانویان به شدت به انرژی وابسته هستند. افزایش هزینه‌های حامل‌های انرژی، به ویژه گاز مصرفی تورها و فرها، به طور مستقیم بر هزینه تمام شده نان تأثیر می‌گذارد.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از اقتصاد ۲۴ - در حالی که رسمی شدن مصوبات قیمت‌گذاری نان در تهران همچنان در حاله‌ای از ابهام باقی مانده است، شهروندان پایتخت شاهد افزایش تدریجی و غیررسمی قیمت این قوت غالب روزانه هستند. امروز نانو آرد را یا آزاد یا یارانه‌ای از دولت می‌خرد، اما تصمیم‌گیری قیمت را با کمال میل برعهده گرفته است. چه نان دولتی چه آزاد با نظر نانو تعیین قیمت می‌شود به طوری که اتحادیه‌های نانویان در تهران نیز به طور رسمی خود را از این میدان رقابت دور نگه داشته و سکان را به دست نانوایان داده‌اند.

این گرانی خاموش نه تنها قدرت خرید خانوارها را در شرایط تورمی کنونی بیش از پیش تضعیف کرده، بلکه یک بار دیگر لزوم نظارت دقیق دولت بر بازار کالاهای اساسی را به چالش کشیده است. نان، که به‌عنوان ارزان‌ترین و پایدارترین منبع تأمین کالری در سبد غذایی ایرانیان جای دارد، اکنون تبدیل به یک دغدغه اساسی برای دهک‌های پایین و متوسط جامعه شده است. ان، برخلاف سایر اقلام خوراکی، به دلیل مصرف روزانه و فراگیری، تأثیر مضاعفی در شاخص‌های تورمی خانوار دارد. نان نه تنها یک قلم خوراکی، بلکه ستون اصلی تأمین انرژی روزانه میلیون‌ها نفر در تهران است.

۱/۶ اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه یک هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی. برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۰۳۰۰۱۰۹۹ شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۰۳۰۰۱۱۰۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه یک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای غلامرضا عطاران بابگی فرزند علی اکبر به شماره شناسنامه ۱۵۳۱ صادره از مشهد در دو دانگ مشاع از شش‌دانگ اعیان یک باب ساختمان به مساحت ۴۰۲/۲۴ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۰۵ فرعی از ۲۳۱ اصلی بخش ۹ واقع در مشهد □ خیابان عنصری غربی- عنصری غربی ۴ پلاک ۲۶ که عرصه موقوفه میرزا محمد محسن ابن الغ رضوی حصه اولادی میر تقی میر گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۲۹ م.الف ۷۶۹۰

هادی نیکو فر - رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه یک مشهد

۱/۷ اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کاشمر هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۰۱۲۰۰۹۵۱۳ شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۰۳۰۰۱۱۰۱ هیات اول کلاسه ۱۷۵۱-۱۴۰۳ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشمر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم پلدا نساجیان به شناسنامه شماره ۰۸۹۰۷۷۹۹۳۷ کد ملی ۰۸۹۰۷۷۹۹۳۷ صادره فرزند مجید در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۹۱۲/۱۰ متر مربع، پلاک ثبتی ۵۲۳۰ فرعی از ۳۰۲۶ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش یک حومه حوزه ثبت ملک کاشمر خریداری از مالک رسمی خانم پلدا نساجیان محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۲۹ م.الف ۵۱۱

احمد جهانگیر - رئیس ثبت اسناد و املاک کاشمر

۱/۴ اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه یک هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی. برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۰۳۰۰۱۱۰۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه یک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم صغری زارعین عطاران بابگی فرزند علی اکبر به شماره شناسنامه ۴۴۹۶ صادره از تربت حیدریه در یک دانگ مشاع از شش‌دانگ اعیان یک باب ساختمان به مساحت ۴۰۲/۲۴ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۰۵ فرعی از ۲۳۱ اصلی بخش ۹ واقع در مشهد □ خیابان عنصری غربی - عنصری غربی ۴ پلاک ۲۶ که عرصه موقوفه میرزا محمد محسن ابن الغ رضوی حصه اولادی میر تقی میر گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۲۹ م.الف ۷۶۹۰

هادی نیکو فر - رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه یک مشهد

۱/۵ اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه یک هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی. برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۰۳۰۰۱۱۰۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه یک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم فاطمه عطاران بابگی فرزند علی اکبر به شماره شناسنامه ۰۵۷۶ صادره از مشهد در یک دانگ مشاع از شش‌دانگ اعیان یک باب ساختمان به مساحت ۴۰۲/۲۴ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۰۵ فرعی از ۲۳۱ اصلی بخش ۹ واقع در مشهد □ خیابان عنصری غربی - عنصری غربی ۴ پلاک ۲۶ که عرصه موقوفه میرزا محمد محسن ابن الغ رضوی حصه اولادی میر تقی میر گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۲۹ م.الف ۷۶۹۲

هادی نیکو فر - رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه یک مشهد

۱/۲ اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه یک هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی. برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۰۳۰۰۱۱۰۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه یک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم محبوبه عطاران بابگی فرزند علی اکبر به شماره شناسنامه ۸۹۷۱۳ صادره از مشهد در یک دانگ مشاع از شش‌دانگ اعیان یک باب ساختمان به مساحت ۴۰۲/۲۴ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۰۵ فرعی از ۲۳۱ اصلی بخش ۹ واقع در مشهد □ خیابان عنصری غربی - عنصری غربی ۴ پلاک ۲۶ که عرصه موقوفه میرزا محمد محسن ابن الغ رضوی حصه اولادی میر تقی میر گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۲۹ م.الف ۷۶۸۶

هادی نیکو فر - رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه یک مشهد

۱/۳ اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه یک هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی. برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۰۳۰۰۱۱۰۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه یک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم معصومه عطاران بابگی فرزند علی اکبر به شماره شناسنامه ۰۵۷۷ صادره از مشهد در یک دانگ مشاع از شش‌دانگ اعیان یک باب ساختمان به مساحت ۴۰۲/۲۴ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۰۵ فرعی از ۲۳۱ اصلی بخش ۹ واقع در مشهد □ خیابان عنصری غربی - عنصری غربی ۴ پلاک ۲۶ که عرصه موقوفه میرزا محمد محسن ابن الغ رضوی حصه اولادی میر تقی میر گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۲۹ م.الف ۷۶۸۸

هادی نیکو فر - رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه یک مشهد

قطع عام درختان؟

مدیرکل منابع طبیعی مازندران به خبرنگاران می‌گوید: «عملیات قطع درختان صنوبر در محدوده چمستان، در قالب طرح‌های مصوب و با هدف جایگزینی گونه‌های بومی و جنگلی، تحت نظارت کارشناسان منابع طبیعی انجام شده و هیچ‌گونه تخلفی در این زمینه صورت نگرفته است. برداشت درختان صنوبر و غیرجنگلی، بر اساس طرح‌های مصوب، مجوزدار و دارای بیلان پنج‌ساله انجام می‌شود.»

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از خبرنگاران انتشار ویدئویی در شبکه‌های اجتماعی طی روزهای اخیر، که صحنه‌هایی از قطع درختان در منطقه چمستان مازندران را به تصویر می‌کشید، موجی از نگرانی و بحث را در میان دوستداران محیط زیست برانگیخت. این ویدئو، که به سرعت در فضای مجازی دست به دست شد، برداشت‌هایی مبنی بر «قتل عام گسترده در جنگل‌های هیرکانی» ایجاد و توجه عمومی را به وضعیت پوشش گیاهی شمال ایران جلب کرد.

با این حال، علی باقری، مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری مازندران، در گفت‌وگو با خبرنگاران، این ادعاها را رد کرد و توضیح داد که عملیات مشاهده‌شده، بخشی از طرح‌های قانونی و مصوب برای جایگزینی درختان بومی به جای گونه‌های غیربومی است.

«قطع عام» درختان را بر تقای پوشش

جنگلی؟

مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری مازندران، با اشاره به پاسخ رسمی اداره کل، توضیح می‌دهد: «موضوع اصلاً قطع درختان جنگلی نبود؛ بلکه درختان موردنظر «صنوبر» بودند که گونه‌ای



غیربومی و غیرجنگلی محسوب می‌شوند. صنوبر یک گونه سریع‌الرشد است، طول عمر مشخصی دارد و باید حذف شود. قطع این صنوبرها هم به منظور کاشت گونه‌های بومی در همان منطقه است.»

او با اشاره به تلاش‌های سازمان برای حفظ جنگل‌های هیرکانی، هدف از حذف درختان صنوبر را «تقای پوشش جنگلی و بازگرداندن گونه‌های بومی به رویشگاه‌های طبیعی» می‌داند و می‌گوید: «علاوه بر اینکه گونه صنوبر یک گونه غیر بومی است، باید توجه داشت آفات و بیماری‌های ناشی از آن می‌تواند تهدیدی برای جنگل‌های هیرکانی باشد. عملیات قطع درختان صنوبر در محدوده چمستان، در قالب طرح‌های مصوب و با هدف جایگزینی گونه‌های بومی و جنگلی، تحت

نظارت کارشناسان منابع طبیعی در حال اجراست و هیچ‌گونه تخلفی در این زمینه صورت نگرفته است. برداشت درختان صنوبر و غیرجنگلی، بر اساس طرح‌های مصوب، مجوزدار و دارای بیلان پنج‌ساله انجام می‌شود.»

مردم نسبت به وضعیت جنگل‌ها

حساس‌تر شده‌اند

در پی همین اتفاق، عباس محمدی، مدیر انجمن دیده‌بان کوهستان و فعال محیط زیست، به خبرنگاران می‌گوید: «جنگل‌های هیرکانی نه تنها میراث طبیعی ایران بلکه متعلق به کل جهان‌اند. این جنگل‌ها به‌عنوان موزه‌ای از تنوع زیستی، دارای ارزش ذاتی و جهانی‌اند و نباید با رویکرد اقتصادی صرف به آن‌ها نگریم. خوشبختانه، در سال‌های اخیر برخی کارشناسان درون سازمان

منابع طبیعی نیز به این دیدگاه نزدیک شده‌اند و بر ارزش‌های چشم‌اندازی، گردشگری، تلطیف هوا و تثبیت خاک جنگل‌ها تأکید دارند. هرچند این کارشناسان هنوز در اقلیت‌اند، اما نشانه‌هایی از تغییر رویکرد در بدنه مدیریتی دیده می‌شود.» در ماجرای چمستان، محمدی یک نکته مثبت را برجسته می‌کند: «افزایش حساسیت عمومی نسبت به جنگل‌ها، او معتقد است در حالی که مدیران دولتی در سال‌های گذشته با صدور مجوزهای بی‌رویه برای ساخت‌وساز، جاده‌سازی، سدسازی، معدن‌کاو و انتقال آب، به تخریب جنگل‌ها دامن زده‌اند، اما مردم -به‌ویژه در فضای مجازی- واکنش نشان داده‌اند و نسبت به سرنوشت جنگل‌ها حساس‌تر شده‌اند.

او در این زمینه هشدار می‌دهد: «البته این حساسیت باید با دقت همراه باشد؛ چرا که گاهی تصاویر منتشرشده از چنین وقایعی ممکن است به دلیل اطلاعات ناکافی، با برداشت‌های نادرست همراه باشد. مثل ویدئوی اخیر؛ که گونه‌های قطع‌شده، درختان غیربومی بوده و با رویکردی مثبت قطع شده بودند.»

اعتراف به اشتباه؛ گامی به سوی اصلاح

محمدی با اشاره به اظهارات مدیرکل منابع طبیعی درباره قطع درختان صنوبر در چمستان، این موضع را نوعی «اعتراف به اشتباه» تلقی می‌کند. به گفته او، «کاشت صنوبر در گذشته با هدف بهره‌برداری چوب، اقدامی نادرست بوده و حالا جایگزینی آن با گونه‌های بومی می‌تواند آغاز یک مسیر اصلاحی باشد. امیدوارم که این جایگزینی صرفاً با هدف احیای اکولوژیک انجام شود، نه برای برداشت مجدد چوب.»

به باور محمدی، احیای جنگل به حالت اولیه ممکن نیست، اما می‌توان با کاشت نهال‌ها و

بذرهای بومی، تنوع زیستی را تا حد زیادی بازسازی کرد و به طبیعت فرصت بازیابی داد.

امید به احیای اکولوژیک؛ از شعار تا اقدام

این فعال محیط زیست، در خصوص وضعیت جنگل‌های جلگه‌ای در نوار شمالی کشور ابراز نگرانی می‌کند و می‌گوید: «در سراسر البرز شمالی، از شرق تا غرب دریای خزر، بخش عمده جنگل‌ها به شالیزار، باغ یا شهرک تبدیل شده‌اند و تنها حدود ۱۰ الی ۱۵ لکه کوچک از جنگل‌های جلگه‌ای باقی مانده است.

مناطق مانند نور، چمستان، سیسنگان و دلند، که در گذشته جنگل‌های جلگه‌ای بوده‌اند، اکنون به پارک‌های شهری تبدیل شده‌اند و تحت فشار گردشگری‌های بی‌برنامه، نهال‌های تازه‌رویده لگدمال می‌شوند.»

او بر ضرورت تدوین یک برنامه مدیریتی بلندمدت برای احیای اکولوژیک جنگل‌های چمستان تأکید می‌کند و معتقد است: «برای حفاظت از این لکه‌های باقیمانده باید برنامه‌های مدیریتی تدوین شود؛ در غیر این صورت، آخرین بازمانده‌های جنگل‌های جلگه‌ای نیز از بین خواهند رفت.

اگر سازمان منابع طبیعی، درختان صنوبر را با گونه‌های بومی جایگزین کند و اجازه دهد طبیعت با کمک انسان خود را بازسازی کند، طی چند دهه می‌توان به وضعیت طبیعی نزدیک شد. هرچند بازگشت کامل ممکن نیست، اما اصلاح تنوع زیستی و حفظ ارزش‌های اکولوژیک جنگل، هدفی دست‌یافتنی است.»

به گفته او، اعتراف به اشتباه گذشته و افزایش حساسیت عمومی، دو مؤلفه مهم برای آغاز این مسیر هستند.

مرگ بیش از ۱۰ هزار نفر در حوادث رانندگی نیمه اول سال

امسال رسید و بعد از دو سال مجدداً از مرز دو هزار فوتی عبور کرد و به دو هزار و ۶۴ نفر رسید.

در این ماه تعداد تلفات تصادفات در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۶.۱ درصد بیشتر شده است که از این تعداد هزار و ۶۱۹ نفر مرد و ۴۴۵ نفر زن بودند.

با توجه به رشد آمار حوادث رانندگی و تلفات ناشی از آن سازمان پزشکی قانونی کشور به رانندگان عزیز توصیه می‌کند حتماً در حین رانندگی قوانین و مقررات را رعایت کنند تا از بروز حوادث جبران‌ناپذیر جلوگیری شود.

مواردی مثل پرهیز از سرعت غیرمجاز و سبقت‌های خطرناک، پرهیز از حرکات نمایشی و پرخطر، بستن کمربند برای همه سرنشینان خودرو، پرهیز از رانندگی در حالت خستگی و خواب‌آلودگی، رعایت فاصله ایمنی با خودروی مقابل، عدم استفاده از تلفن همراه در حین رانندگی و حرکت با سرعت مطمئنه از جمله مواردی است که به کاهش حوادث رانندگی و تلفات تصادفات کمک می‌کند.

همچنین با توجه به افزایش تعداد تلفات در تصادفات درون شهری به موتورسیکلت سواران توصیه می‌شود ضمن استفاده از کلاه ایمنی، حتماً قوانین راهنمایی و رانندگی را رعایت کنند. علاوه بر این در کنار توصیه به عابران برای عبور از خط‌کشی‌های عابرین پیاده و همچنین استفاده از پل‌های عابرین پیاده برای عبور از عرض خیابان، از رانندگان نیز درخواست می‌شود در حین رانندگی حتماً به عابران، به ویژه کودکان و سالمندان، توجه بیشتری داشته باشند.



ذکر شده باشد، بنابراین توجه به این نکات می‌تواند از بسیاری از این حوادث تلخ و خسارت‌بار جلوگیری کند.

در نیمه نخست امسال ۲۰۲ هزار و ۱۴۵ مصدوم حوادث رانندگی به مراکز پزشکی قانونی مراجعه کردند که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل (۱۹۹ هزار و ۸۴۱ نفر)، ۱.۲ درصد بیشتر شده است.

بر اساس آمارها، ماه شهریور بیشترین تعداد کشته‌های تصادفات را در مقایسه با دیگر ماه‌های سال به خود اختصاص می‌دهد. متأسفانه با وجود هشدارهای مکرر و تأکید بر لزوم توجه به قوانین راهنمایی و رانندگی، در شهریور امسال نیز تعداد تلفات حوادث رانندگی به بالاترین حد خود در طول شش ماهه

عنوان علت اصلی مرگ در تصادفات قرار گرفته است.

در این مدت سه هزار و ۶۲۸ نفر به دلیل شکستگی‌های متعدد در حوادث رانندگی جان باخته‌اند که ۳۴.۸ درصد از کل تلفات را در بر می‌گیرد.

پس از آن، ضربه به سر با سه هزار و ۴۷۳ فوتی (۳۳.۳ درصد از کل تلفات) و علل اشتراکی با دو هزار و ۲۰۸ فوتی (۲۱.۲ درصد از کل تلفات) بیشترین علت مرگ افراد در تصادفات رانندگی است.

یادآور می‌شود سرعت بالای خودروها، نایمن بودن خودروها و نیز عدم رعایت بستن کمربند ایمنی برای تمامی سرنشینان می‌تواند زمینه‌ساز وقوع تصادفات با شدت بالا و متأسفانه مرگ سرنشینان آن به دلایل

باقی در سایر مسیرها جان خود را از دست داده‌اند.

بر اساس آمارهای سازمان پزشکی قانونی کشور در نیمه نخست امسال متأسفانه ۴۹.۷ درصد از متوفیات حوادث رانندگی را نوجوانان و جوانان ۱۱-۳۹ سال تشکیل داده است. در این مدت افسراد بالای ۶۰ سال، ۱۹.۵ درصد و افراد ۴۰ تا ۴۹ سال ۱۴ درصد از کل تلفات را به خود اختصاص داده‌اند.

به اساس آمار سال‌های گذشته، ضربه به سر در تصادفات رانندگی علت اصلی مرگ و جان باختن افراد است و این علت در صدر دلایل مرگ در حوادث رانندگی قرار می‌گیرد. اما در نیمه نخست امسال، شکستگی‌های متعدد با اندکی اختلاف به

سازمان پزشکی قانونی اعلام کرد: در نیمه نخست امسال ۱۰ هزار و ۴۱۴ نفر در حوادث رانندگی جان خود را از دست دادند که نسبت به مدت مشابه سال قبل، ۳.۳ درصد رشد داشته است.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از باشگاه خبرنگاران جوان - بر اساس اعلام سازمان پزشکی قانونی کشور از کل تلفات حوادث رانندگی در شش ماهه اول امسال، هشت هزار و ۳۳۳ نفر مرد و دو هزار و ۸۱ نفر زن بودند.

در این مدت استان‌های تهران با ۸۵۶، فارس با ۸۰۳ و خراسان رضوی با ۷۳۳ فوتی بیشترین و استان‌های ایلام با ۱۰۶، کهگیلویه و بویراحمد با ۱۲۰ و قم با ۱۴۲ فوتی کمترین تعداد تلفات را داشته‌اند.

آمار تلفات حوادث رانندگی درون شهری در نیمه نخست امسال، بیشترین میزان رشد را در مقایسه با تصادفات برون شهری یا روستایی داشته است.

در این مدت دو هزار و ۵۸۹ نفر در تصادفات درون شهری جان خود را از دست دادند در حالی که این رقم در مدت مشابه سال قبل دو هزار و ۳۹۰ نفر بوده است. بنابراین در نیمه نخست امسال شاهد رشد ۸.۳ درصدی تلفات تصادفات درون شهری هستیم.

گفتنی است آمار تلفات حوادث رانندگی در محورهای درون شهری طی سال گذشته چهار هزار و ۷۵۹ نفر بوده که نسبت به سال قبل از آن ۳.۵ درصد کاهش داشته است.

در شش ماهه نخست امسال همچنین هفت هزار و ۱۷۴ نفر در محورهای برون شهری، ۵۹۷ نفر در مسیرهای روستایی و

